

نقش ایدئولوژی در قتل‌های زنجیره‌ای؟!

نشریه محترم
چشم انداز ایران

با سلام و دعای خیر، در شماره اول نشریه در گفت‌وگویی با مهندس میثمی این گونه گفته شده بود که: «در قضیه باندهای خودسر، منافع دنیوی جوهره قضیه است، که حتی برخی روحانیون را به دنبال خود می‌کشد و در این جا نمی‌توانیم نقش ایدئولوژی را عمده کنیم که فکر کنیم اینها بدنبال یک فتوا دست به این‌گونه کارها می‌زنند. این جریان‌های خودسر، یک تشکیلات دنیاگرا هستند و در این راه از پرونده‌سازی هم ابا ندارند. در جریان قتل‌های اخیر هم موضوع قتلها را نباید به جناح‌های ایدئولوژیک و حتی سیاسی نسبت دهیم. ما باید این قتلها را پیگیری کنیم و حدمرز تشکیلاتی آنها را مشخص کنیم، ولی نباید موضوع قتلها را با مسایل ایدئولوژیک خلط کنیم. این جریانی که در وزارت اطلاعات پیش آمد، دنیاگرایی محض است.» (پایان مطلب)

با توجه به شناختی که از نشریه «راه مجاهد» داشته‌ام، این نشریه همواره بر پیگیری ریشه‌های فکری انحرافات تأکید داشته است. مشخص نیست که چرا در این مورد چنین نمی‌گویند؟ آیا دنیاگرایی محض وجود خارجی دارد؟ و اگر اینها دنیاگرایی محض هستند، چه مرضی داشتند که خطر کرده و دنیایشان را خراب کنند. خوب می‌رفتند در مسیری بی‌خطر حرکت می‌کردند این نظریه شبیه نظریه‌ای است که جریان رجوی را چنان تحلیل می‌کنند که انگار عده‌ای برای دختربازی و کثافت‌کاری وارد این تشکیلات شده‌اند، و معلوم نیست چرا این آدمها نرفته‌اند با زنان زیباتر و در دقایقی بی‌خطر به عیش و عشرت بپردازند! حداقل در مجلس ترحیمی که برای امامی برپا شد، معلوم شد عده‌ای هوادار و دلسوز دارد و شرکت افرادی نظیر حجت الاسلام حسینیان که عضو دادگاه ویژه روحانیت و هیأت منصفه آن می‌باشد، نشان می‌دهد که این جریان با یک جریان سیاسی نسبت دارد، مگر این که تمامی هواخواهان این جریان را دنیاگرایی محض بدانیم که این ادعا به اطلاعات بسیار دقیق و وسیع نیازمند است. آیا چنین اطلاعاتی در دست است؟ آیا حرکت این

گروه در چند سال بعد از انقلاب، سابقه نداشته است؟ آیا به‌کارگرفتن باندهای خودسر، زبیده این افراد است و اینها واقعاً خودسر هستند و تابع هیچ‌گونه ایدئولوژی، نظریه سیاسی، یا یک جریان اجتماعی و اقتصادی نیستند؟ تمامی

عکس این را نشان می‌دهد. مگر آن که هر آنچه در نشریه‌ها و سخنرانی‌ها و موضعگیری‌ها می‌آید، خیالات باشد. شاید اگر توضیح بیشتری بدهید، رافع برخی از این ابهام‌ها باشد. با تشکر - از تهران

پاسخ

تعیین‌کننده ماهیت اصلی این جریان باشد که به صرف وجود حمایت بعضاً دلسوزانه برخی از آنها، باند فوق را یک جریان اساساً ایدئولوژیک معرفی فرض کنیم. در ضمن باید توجه نمود که اصرار ما بر این که قتلها را به جناحی سیاسی - ایدئولوژیک نسبت ندهیم، با تحلیلی شما نیز که جریانهایی بعضاً دلسوزی وجود دارد که امر بر آنها مشتبه گردیده است، همسویی دارد. چرا که این دو جریان اگر با هم خلط شوند، مسؤولین امر ناچار خواهند بود که پیگیری پرونده را متوقف کنند یا این که در برخورد با این جریان، تر و خشک را با هم‌دیگر بسوزانند، که از انصاف به دور است. بنابراین پیگیری حقوقی قتلها و پیشبرد کار، تاکتیکی برای کشف عاملین و آمرین است که آن را باید در اولویت قرار داد و ریشه‌یابی انگیزه‌ها و مبانی معرفتی را به فرآیند دیگر واگذار نمود. در کلام آخر باید گفت که در زمینه پیگیری قتلها شعار باید محدود باشد، تا به نتیجه مشخصی برسیم. ولی برداشت ما از موضع آقای حسینیان (نوار سخنان ایشان) این بود که آگاهانه یا ناآگاهانه سعی دارد که جنبه ایدئولوژیک مسأله عمده گردد، تا شاید کار تحقیق به نتیجه مطلوب نرسد. ایشان در جای دیگری از همین نوار عبارتی بدین مضمون گفته بودند، این پرونده به جایی نخواهد رسید. چرا؟

با تشکر از دقت نظر شما، لازم به یادآوری است که تأکید ما بر نوع برخورد با این جریان و پیگیری پرونده قتلها بود و نه این که ریشه‌ها یا توجیحات فکری آن را نادیده بگیریم. به نظر ما اولویت در برخورد با این جریان، پیگیری تشکیلاتی آنها در کادر یک خط مشی حقوقی و قانونی است. هر چند که بعد از کشف کامل این جریان، ممانعتی برای ریشه‌یابی ایدئولوژیک و معرفتی این جریان وجود ندارد. در ضمن اگر مجدداً گفت‌وگو را بازبینی نمایید در آن بخش مورد نظر این نکته را خواهید یافت که ریشه‌یابی معرفتی رشد چنین جریانی در چند محور آمده و در بخشی از گفت‌وگو صراحتاً به این نکته اشاره شده است که یک جریان فکری در بافت امنیتی ما وجود داشت که ترجیح می‌داد یک مخالف سیاسی دست از فعالیت خود بردارد و به سراغ زندگیش برود. به عین عبارت توجه فرمایید... چنین نگرشی موجب می‌شود که حتی در بافت نیروهای امنیتی و اطلاعاتی یک نوع دنیاطلبی و لذت‌جویی رشد کند... در ثانی باید بحث دنیاگرایی را فراتر از صرف انحرافات اخلاقی و ... در نظر گرفت. آیا کسی که به‌منظور حفظ موقعیت خود دست به قتل نفس می‌زند، مفهوم دنیاگرایی را نمی‌توان به او اطلاق نمود؟ از طرف دیگر، این که چه نیروهایی و چه طیفی از این جریان حمایت می‌کنند، نمی‌تواند شواهد



چشم انداز ایران شماره ۴

